

## نقش آستان مقدس احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ<sup>(ع)</sup> در ارتقای سبک زندگی دینی مردم

صالحه شریفی<sup>۱</sup>

امان الله شفایی<sup>۲</sup>

### چکیده

آستان مقدس شاهچراغ به عنوان مهمترین آستان خطه فارس و جنوب ایران از جهات بسیاری قابل تحقیق است. این نوشتار بر ظرفیت‌های این آستان در رابطه با ترویج و تعمیق سبک زندگی دینی انگشت گذاشته است. سبک زندگی دینی تعریف و مولفه‌های خاص خود را دارد. در این سبک معنویت دینی، نمادها، شعایر و آموزه‌های دینی حضور پررنگی دارد و در حقیقت جهات اصلی زندگی را تعیین می‌کند. ایده اصلی نبشته حاضر آن است تا با رویکرد تاریخی تحلیلی امکانات و ظرفیت‌های آستان شاهچراغ را در رابطه با تعمیق و توسعه سبک زندگی دینی به آزمون بگذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که به برکت مرقد حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و میرمحمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، این آستان مقدس در بسیاری از امور و مسائل اجتماعی و فرهنگی خطه فارس تاثیر انکار ناپذیری دارد. اما آنچه به مقوله سبک زندگی دینی مربوط می‌شود، می‌توان گفت که آستان مقدس شاهچراغ به صورت برجسته با ترویج معنویت دینی، تجلی زیبایی‌شناسی دینی، تعمیق ساختار اجتماعی دینی، تسهیل مناسک دینی، تعمیق بینش دینی و انعکاس آموزه‌های دینی، سبک زندگی بسیاری بویژه مردم آستان فارس و جنوب ایران را متأثر نموده است.

**واژگان کلیدی:** احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، آستان مقدس شاهچراغ، سبک زندگی، سبک زندگی دینی، جنوب ایران.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای قرآن و علوم سیاسی

## مقدمه

وجود سومین آستان مقدس سلاله موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> در قلب سرزمین فارس، دارای آثار و برکات فراوانی بوده که البته بسیاری از ابعاد و زوایای آن حتی از چشم تحلیل‌گران مغفول مانده است. در بدو امر درک این موضوع که میان آستان مقدس شاه‌چراغ در شیراز و موضوع سبک زندگی چه سنخیتی وجود دارد، قدری مشکل به نظر می‌رسد. اما حقیقت آن است که نمی‌توان و نباید از کنار ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه این آستان مقدس در رابطه با آنچه سبک زندگی مردم خوانده می‌شود به راحتی گذشت. حضور بارگاه شاه‌چراغ، در بلاد فارس با جغرافیا، تاریخ و فرهنگ زیستی مردم این سرزمین گره خورده است کما این که همین نقش را بارگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> در بلاد خراسان به عهده دارد. با این تفاوت که در رابطه با جنبه‌های مختلف بارگاه امام هشتم در خطه خراسان تحقیقات وافی صورت پذیرفته است. این در حالی است که نسبت به بارگاه برادرشان در فارس خلاهای پژوهشی بسیاری باقی است. چه آن که احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> شخصیتی است که هرچند که مانند امام رضا<sup>(ع)</sup> از قوه عصمت برخوردار نیست، اما در فضیلت و علم، تقوی و شجاعت وی، اقوال متعددی نقل شده است. تا آنجا که برخی از منابع، وی را در شمار یکی از اوصیای امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> قرار می‌دهد (صدوق، ج ۱، ۱۳۷۳: ۲۵).

از سوی دیگر موضوع سبک زندگی که در نیم قرن گذشته، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان بویژه در دنیای غرب را به خود جلب نموده موضوع مهمی است. این بحث در کشورهای اسلامی زمانی اهمیت پیدا نمود که سبک زندگی مردم این مناطق تحت تاثیر هژمونی فرهنگ زیستی دنیای غرب قرار گرفت. در سالیان گذشته بحث از سبک زندگی اسلامی یا دینی توجه بسیاری از محققان و جامعه‌شناسان مسلمان را به خود جلب نموده است. این بحث در این اواخر ابعاد و زوایای بسیاری پیدا نموده و البته گام‌های مهمی در رابطه با ترسیم سبک زندگی اسلامی برگرفته از منابع دینی و سیره ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> برداشته شده است. با این وجود در فرهنگ اسلامی ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد که تا کنون محققان مجالی برای ورود به آنها پیدا نکرده‌اند. شاید در نگاه نخست میان وجود آستان‌های مقدس و سبک زندگی ارتباط وثیقی دیده نشود، اما باید گفت که با کمی دقت و تعمق می‌توان بر ظرفیت‌هایی انگشت گذاشت که می‌تواند تاثیر شگرفی در تعیین و ترسیم سبک زندگی مردم برجای نهد.

این نوشتار با علم به این که نسبت به نقش آستان مقدس شاه‌چراغ در فارس در رابطه با تاثیر بر سبک زندگی مردم، پژوهش قابل اعتنایی صورت نپذیرفته، در نظر دارد ظرفیت‌های این آستان را نسبت به سبک زندگی دینی مردم به بحث بگذارد. اشاره به «سبک زندگی دینی»، حاکی از آن است که سبک زندگی در سطح کلان دارای ابعاد و حوزه‌های متعدد است که سبک زندگی دینی نوعی از آن است. بنابراین مباحث این نوشتار با توجه به مباحث نظری سبک زندگی دینی سامان خواهد یافت و

ظرفیت‌های آستان مقدس در رابطه با دیگر وجوهات سبک زندگی را به پژوهش‌های دیگر موکول خواهد نمود. سبک زندگی دینی، دارای تعریف و مولفه‌های نسبتاً مشخصی است. بنابراین نگارنده در نظر دارد با روش تاریخی - تحلیلی ظرفیت‌های آستان مقدس احمدی را صرفاً در این حوزه مورد سنجش قرار دهد.

## ۱- چهارچوب نظری

### ۱-۱- مفهوم‌شناسی سبک زندگی

در ترکیب «سبک زندگی» معنای واژه «زندگی» روشن است اما در تعریف واژه «سبک» مباحثی وجود دارد. اصل واژه «سبک» عربی است اما در زبان عربی و فارسی، وضعیت مشابهی داشته است. از نظر لغوی این واژه به معنی گداختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره است (ابن‌منظور، لسان‌العرب، ذیل واژه «سبک»). امروزه در زبان عربی از معادل «اسلوب» برای معنای سبک بهره می‌برند. آن چنان که محبوب نقل می‌کند اولین بار کلمه «سبک» در کتاب «الشعر و الشعراء» نوشته ابن‌قتیبه (متوفای ۲۷۰ ق) به معنی شیوه و روش در شعر به کار رفته است (محبوب، ۱۳۴۵: ۳). در زبان فارسی این واژه به معنای مورد نظر تا این اواخر کاربردی نداشته است. در لغتنامه‌ها «سبک زندگی» به روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ (Webster Online Dic. 2004)؛ عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد، اطلاق می‌شود (TheRandom, 1987). معادل «سبک زندگی» در زبان آلمانی «Lebensstil»، و در زبان انگلیسی در شکل «Life Style» و «Style of Life» در گذشته و امروز به صورت «Lifestyle» استفاده شده است.

«سبک زندگی» مفهومی نسبتاً جدید است. چنان که بعضاً پدیدار شدن آن را در زمره اختصاصات جامعه مدرن متأخر قلمداد کرده‌اند. سبک زندگی در واقع شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. سبک‌های زندگی حوزه‌های مختلفی از قبیل طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. در تعریفی ساده و بسیط؛ «سبک زندگی شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی است» (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۶-۲۴). باید دقت کرد تعریفی که از سبک زندگی ارائه می‌شود، بر حسب نگاهی که به انسان وجود دارد، متفاوت خواهد بود؛ و نوع نگاه به انسان نیز خود در درجه اول منبعث از نوع نگاه و جهانی‌بینی است که مکتب و آیین مسلط در جامعه ارائه می‌دهد و در درجه دوم، ناشی از شناختی است که خود انسان از کارکردها، ویژگی‌ها، شاخص‌ها، فلسفه (وجودی) و اهداف خویش از مبحث سبک زندگی انتظار دارد (ولی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰۵۶). آنتونی گیدنز پدر جامعه‌شناسی معاصر سبک زندگی را به سیاست زندگی معنا نموده است. او می‌نویسد: «سیاست زندگی، سیاست فرصت‌های زندگی نیست؛ سیاست زندگی، سبک زندگی است. سیاستی است که با

منازعات و کشمکش‌هایی در باب یک سوال پیوند دارد: چگونه ما (به عنوان افراد یا به عنوان کلیت جامعه انسانی) باید در دنیایی زندگی کنیم که در آن، آن چه به وسیله طبیعت یا سنت تثبیت شده بود، اکنون موضوع تصمیم‌گیری انسان قرار گرفته است (Giddens, 1996: 231).

## ۲-۱- مفهوم‌شناسی سبک زندگی دینی

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر این که دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹). چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر این که پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به همراه دارد، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک‌زندگی بر اساس اقتضائات جامعه اسلامی برخوردار است.

ماکس وبر از جامعه‌شناسان شهیر معاصر معتقد است که دو نوع سبک زندگی را می‌توان از هم تفکیک نمود. سبک زندگی مبتنی بر رفتار و سبک زندگی مبتنی بر معنا. وبر معتقد است که سبک زندگی دینی، سبکی معنامدار است. وی در باب نقش دین در ترسیم زندگی معنایی می‌نویسد: «تعیین شیوه و سبک زندگی به وسیله دین نیز یکی - و فقط یکی - از عوامل تعیین‌کننده اخلاق اقتصادی است و البته خود این عامل نیز از عوامل اقتصادی و سیاسی‌ای تأثیر می‌پذیرد که در چارچوب مرزهای مشخص جغرافیایی سیاسی، اجتماعی و ملی عمل می‌کند» (وبر، ۱۳۸۲: ۳۰۴). وبر در کتاب مشهور خود «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» میان سبک زندگی دینی و سبک زندگی سرمایه‌داری تضاد لاینحلی می‌بیند. او سبک زندگی دینی را غایت‌مدار و معطوف به دنیای باقی می‌داند و می‌نویسد: «در زمانی که آخرت به معنی همه چیز است و موقعیت اجتماعی فرد مسیحی به پذیرش وی در عشای ربانی مسیحیان وابسته است و مقام روحانی نفوذ غیرقابل‌تصور از طریق مواعظ و انضباط کلیسایی دارد؛ در چنین شرایطی آموزه‌های دینی به طور قطع در سرشت قومی و سبک زندگی فرد تأثیر قطعی دارد» (وبر، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

هم‌چنین گنورگ زیمل از دیگر جامعه‌شناسان بلندپایه در باره نقش دین در زندگی می‌نویسد: «اگر کل تحول روحی به نتیجه غایی خود برسد، دین را به نوعی شیوه مستقیم زندگی بدل می‌کند که به اصطلاح در سمفونی زندگی، نه ملودی واحد بلکه کلید سمفونی است. زندگی در تمامی جنبه‌های دنیوی خود، یعنی کنش و ایمان، تفکر و احساس - در کلیت خود تحت نفوذ ترکیب منحصر به فردی از فروتنی و سرخوشی، تنش و صلح، ضعف و تقدس قرار می‌گیرد که ما آن را به هیچ طریق دیگری غیر از دینی بودن نمی‌توانیم توصیف کنیم» (زیمل، ۱۳۸۰: ۲-۲۴۱). لہذا باید گفت که سبک زندگی دینی در کلیت خود

در زمره سبک معنامدار قرار می‌گیرد. سبک زندگی دینی در قالب سبک زندگی معنایی اشعار به تجلیات انگاره‌ها و آموزه‌های دینی دارد که در حقیقت در ترسیم معنای زندگی نقش ایفا می‌کند. در حقیقت در سبک زندگی دینی، دین که خود شامل باورها، تعالیم، مناسک، آموزه‌ها و گزاره‌های خاصی است، سبک و سیاق زندگی پیروان خود را جهت داده و بدین طریق به آن معنا می‌دهد.

می‌توان گفت که سبک زندگی اسلامی، نوعی از سبک زندگی دینی است. سبکی که انتظار حداکثری از دین دارد و دامنه شمولیت آن را در تعریف و ترسیم زندگی به معنی سبک ممکن می‌داند. در سبک زندگی اسلامی، نگاه مسلمانان معطوف به غایت است. در این سبک میان دنیا و آخرت اختلافی نیست و این دو مکمل یکدیگرند. سبک زندگی دینی دارای عناصر و مولفه‌های بسیار است. این عناصر و مولفه‌ها در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف قابل بحث هستند. در حقیقت هر آنچه رنگ دیانت به بر می‌کند، می‌تواند ظرفیت‌های متنوعی از سبک زندگی دینی را نمایش دهد. امری که در رابطه با نقش آستان مقدس شاهچراغ نیز ساری است. در ادامه ضمن تحلیل برخی از مولفه‌های سبک زندگی دینی، نشان داده خواهد شد که این آستان مقدس می‌تواند ظرفیت‌ها و امکانات خویش که عمدتاً مورد غفلت واقع می‌شود را در تاثیر بر سبک زندگی دینی مردم عیان نماید.

## ۲- مولفه‌های سبک زندگی دینی و ظرفیت‌سنجی آستان مقدس شاهچراغ

در فرهنگ باورهای دینی شیعیان مزار مطهر معصومین<sup>(ع)</sup> و ذریه پاک ایشان چنان دارای حرمت و تقدس است که در گذر تاریخ به اهتمام شیعیان بر مقابر ایشان بارگاه‌هایی ساخته شده است. این بارگاه‌ها بر اساس احادیث و روایات بسیاری که در رابطه با اهمیت زیارت قبور مطهر آنان وجود دارد، نقش مهمی در تامین آمال و حاجات عاشقان اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> ایفا نموده و سهم بزرگی در تاسیس تمدن اسلامی داشته است. اما چنان که در مقدمه اشاره شد، در رابطه با نقش این بارگاه‌ها که به مفهوم سازمانی تحت عنوان «آستان مقدس» یاد می‌شود، در سبک زندگی مردم توجهی صورت نپذیرفته و ظرفیت‌های آن در این حوزه مغفول مانده است. آستان‌های مقدس معصومین<sup>(ع)</sup> و اولاد طاهرینشان در دو کشور عراق و ایران از رونق بسیاری برخوردارند. اما آنچه به آستان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در دیار فارس مربوط می‌شود می‌توان گفت که هر اندازه این آستان در گذشته توسعه پیدا نموده، بر ظرفیت‌های آن در رابطه با سبک زندگی مردم افزوده شده است. در حال حاضر این آستان پس از آستان قدس رضوی و آستانه مقدسه فاطمه معصومه<sup>(ع)</sup>، سومین آستان بزرگ در ایران محسوب می‌شود و می‌توان گفت که مهمترین قطب زیارتی در جنوب ایران است. گذشته این آستان نشان می‌دهد که سالیانه بر تعداد زوار آن افزوده شده و از این رهگذر استان فارس و شهر شیراز در شمار یکی از چندقطب گردشگری مذهبی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت زایدالوصف این آستان باید گفت که نباید از نقش آن در تعیین و ترسیم سبک زندگی بخش

بزرگی از مردم ایران غافل بود. این مقاله مدعی است که آستان مقدس شاه‌چراغ که خود برآمده از باورهای دینی شیعیان است، در چارچوب مولفه‌های سبک زندگی دینی می‌تواند نقش‌های چندگانه‌ای را در جهت‌دهی و تعیین سبک زندگی مردم ایفا نماید. در ادامه این ادعا مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

### ۱-۲- آستان مقدس و تعمیق معنویت دینی

در سبک زندگی دینی، معنویت روح آن را می‌سازد. در سبک‌های زندگی غیردینی هرچند ممکن است معنویت به اشکال دیگری متجلی شود، اما در سبک زندگی دینی معنویت، منشا الهی دارد. گئورگ زیمل از جامعه‌شناسان قدیم در رابطه با نقش معنویت در زندگی می‌نویسد: «زندگی زمانی که به ذهن بدل می‌شود به طور مستمر چنین مصنوعاتی را خلق می‌کند؛ مصنوعاتی خودبسنده و با ادایی برای تداوم و در واقع برای بی‌زمان. این مصنوعات را می‌توان به مثابه اشکالی توصیف کرد که زندگی به خود می‌گیرد. یعنی وجه اجتناب‌ناپذیر تجلی آن به مثابه زندگی معنوی است» (زیمل، ۱۳۸۰: ۲۲۶).

در سبک زندگی دینی، زندگی بدون معنویت هیچ ارزشی ندارد. معنویت امری نیست که انسان بتواند بدون آن برای زندگی دلیلی داشته باشد. معنویت در واقع زندگی مادی انسان را متوازن می‌کند و آن را از کلیشه‌های خشک و بی‌روح می‌رهاند. معنویت در حقیقت حالات خاصی است که همیشه به انسان دست نمی‌دهد. حال معنوی محصول بودن در زمان خاص و ماندن در مکان خاص است. فلسفه وجودی مساجد در آن است که این مکان از جانب شارع به عنوان محلی در نظر گرفته شده است که بنده بتواند با خداوند خود خلوت نماید و رسم عبودیت را به جای آورد. دقیقاً آستان‌های مقدس نیز همین کارکرد را دارند. یکی از پژوهشگران در رابطه با نقش زیارت در تعمیق و توسعه معنویت می‌نویسد: «در زیارت به مکان‌هایی که وجود مقدس اهل بیت و فرزندان آن‌ها در آنجا قرار دارد و متبرک هستند، متوسل می‌شویم و آن بزرگان را واسطه خودمان و خداوند قرار می‌دهیم. این نحوه ارتباط با این فضا به شدت در شکل‌گیری و سامان بخشیدن به روابط ما موثر است و بسیاری از روحیه‌ها و خلقیات ما را می‌سازد... مکان‌های زیارتی در شکل‌دهی به روابط اجتماعی و رفتار ما در زندگی نقش اساسی دارد. البته بخشی از این تاثیر را متوجه نمی‌شویم. شاید با تحلیل‌های علمی و محاسباتی هیچ‌گاه به جواب علمی نرسیم که چرا زمان ورودمان به چنین مکان‌هایی احساس آرامش می‌کنیم» (زائری، ۱۳۹۳: ۱۴۳-۱۴۴).

آستان مقدس شاه‌چراغ فضای دل‌انگیزی بوجود آورده که انسان سرگشته و حیران را به سوی خود می‌خواند. این آستان از یک سو وحدانیت خداوند را در دل تداعی می‌کند و از سوی دیگر با توجه به این که مدفن یکی از اولیای خداوند است، انسان را به یاد آخرت می‌اندازد. ضمن آن که حضور در این آستان و پناه بردن به آن، انسان حیران و بی‌قرار را گویا به ساحل امن آرامش می‌رساند. آستان قدس احمدی در شیراز هرچند بر محور یکی از فرزندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> تاسیس و رونق پیدا نموده اما این رونق به آن دلیل

بوده تا محلی برای زیارت قبور اولیاء الهی و در کنار آن محلی برای آرامش روح و روان مراجعه‌کنندگان پدید آید. واقعیت آن است که عظمت آستان شاهچراغ از منظر قاطبه ارادتمندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> بویژه ساکنان شیراز به حدی است که وجود آستان مقدس را به عنوان تکیه‌گاه مطمئن برای مواجهه با مسائل و مصایب زندگی روزمره خود می‌بینند و در تنگناها بیش از آن که به دنبال راه حل دیگری باشند، توسل و تمسک به ساحت مقدس شاهچراغ را بر می‌گزینند. این را نیز نباید از نظر دور داشت که موقعیت ممتاز حرم آستان مقدس در قلب شهر شیراز چنین می‌نماید که نبض زندگی اهالی شهر در آستان مقدس احمدی می‌تپد. ضمن آن که فضای روحانی داخلی حرم و چشم‌انداز زیبایی که محصول هنر و معماری اسلامی است، محیط دل‌انگیزی را به وجود می‌آورد که انسان تا وقتی که در آن فضا قرار دارد، خود را از آشفتگی‌ها و تنش‌های دنیای مادی رها احساس می‌کند و برای ساعاتی در ساحل امن و آرام قرار می‌گیرد. جالب این جاست که این سرخوشی پس از مدت‌ها در روح و ضمیر آدمی باقی می‌ماند تا زمانی که دل مشغولیت‌های زندگی مادی آن را از روان انسان بزداید.

## ۲-۲- آستان مقدس و تعیین ساختار اجتماعی دینی

ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهائی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه بر اساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابد (تامپسون، ۱۳۸۲: ۳۲). ساختارهای اجتماعی در حقیقت بخش مهمی از سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. زیرا تعامل در اجتماع و گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی سهم مهمی در شکل‌بندی سبک زندگی انسان دارد. در حقیقت ترسیم ساختارهای اجتماعی محصول قرار گرفتن انسان‌ها با محیط پیرامون خود است. تا آنجا که انسان به صورت ناخودآگاه با محیط و نهادهای اجتماعی در تماس مداوم و معنادار قرار می‌گیرد. در جوامع اسلامی دین به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری عمل می‌کند که نظم طبیعی و اجتماعی موجود را به نظمی کیهانی و مقدس مرتبط و از این طریق احساس «بودن در کاشانه» را در جهان هستی برای انسان فراهم می‌کند (برگر، ۱۳۸۱: ۸۷) در چنین جامعه‌ای نهاد دین از منزلت بالایی برخوردار است. همچنین کنش‌های روزمره مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم نمادها و تعاریف دینی را تایید می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

بر این حسب می‌توان در جامعه دینی از تشکیل ساختارهای دینی سخن گفت. در حقیقت ساختار دینی در یک اجتماع زمانی شکل می‌گیرد که عناصر و نمادهای دینی وارد زندگی روزمره انسان شود و سبک زندگی وی را با یک سری نرم‌ها و هنجارهای دینی تراز نماید. در جامعه دینی نمادها و شعایر دینی سهم بسزایی در تکوین ساختار دینی ایفا می‌کنند. اماکنی همانند مساجد، حوزه‌های علمیه و بارگاه‌ها و آستان‌های مقدس در شهرهای بزرگی همانند شیراز تاثیر غیرقابل انکاری در شکل‌بندی ساختار دینی شهر دارند. این ساختار در حقیقت بخشی از سبک زندگی مردم است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

اگر به نقش آستان مقدس شاه‌چراغ در تکوین ساختار دینی شهر شیراز بپردازیم، باید گفت که این آستان مقدس در کلان‌شهر شیراز همانند کانونی عمل می‌کند که شاه‌رگ‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و عبادی را به هم وصل می‌کند. از یک سو بازار اصلی شهر پیرامون این آستان پدید آمده و سهم مهمی در حیات اقتصادی و تامین معیشت ساکنان این شهر ایفا می‌کند و از سوی دیگر در جوار این آستان اماکن آموزشی علوم دینی و حوزه‌های علمیه تاسیس شده که سهم مهمی در تکوین و تداوم علوم اسلامی برجای می‌گذارد. علاوه بر آن در کنار آستان مقدس مساجد، حسینیه‌ها و تکایای بزرگی در گذر زمان تاسیس شده است که بار اصلی دمیدن روح معنویت و انجام مناسک و شعایر دینی را به دوش می‌کشد. بنابراین سه نهاد بازار، فرهنگ و دین در نقطه کانونی به نام آستان مقدس شاه‌چراغ به هم آمیخته و در این تلاقی ساختار دینی باثباتی بوجود آمده که قرن‌ها از طول عمر آن می‌گذرد. در این ساختار هرچند امر اقتصاد دخیل است، اما باید گفت که نفس وجود ساختار دینی موجب می‌شود راه شریعت در استقرار نظام معیشتی حلال و شرعی باز شود و احکام و آموزه‌های کسب و کار فقہی مورد توجه بازاریان قرار گیرد. بنابراین نباید از نظر دور داشت که پیوند این عناصر سه‌گانه بر محور آستان قدس احمدی و محمدی صورت گرفته است. در حالی که شهرهای بزرگی که از نعمت وجود چنین آستان‌هایی محروم هستند، چنین ساختاری در آن بوجود نیامده و گویا شهر فاقد قلبی است که شریان‌های اقتصادی، فرهنگی و مذهبی از آن منشعب می‌شود.

### ۳-۲- آستان مقدس و توسعه فرهنگ سیاحت دینی

گردشگری یا سیاحت دینی بحثی است که در دنیای امروز سهم مهمی از صنعت گردشگری را به خود اختصاص داده و تاثیر غیرقابل انکاری در شکل‌گیری سبک زندگی دینی برجای می‌گذارد. این که اوقات فراغت انسان چگونه گذرانده شود، بحث مهمی در سبک زندگی است. در سبک زندگی دینی برای این موضوع نیز بخشی وجود دارد که از چشم جامعه‌شناسان دنیای مدرن پنهان نمانده است. دیوید چنی<sup>۱</sup> بر این باور است که در اوایل سده بیست و یکم، گردشگری را باید یکی از ابعاد سبک زندگی به شمار آورد، یعنی فعالیتی که به سایر انتخاب‌ها و ترجیحات سبک زندگی گره می‌خورد. او معتقد است که گردشگری معاصر ما جلوه‌گاه «خودآگاهی نسبت به عملکرد است که با تاملی بودن آگاهی به سبک زندگی هم‌خوانی دارد» (Cheney, 1996: 134). اما وارنر<sup>۲</sup> عنصر دین را به چگونگی گذراندن اوقات فراغت وارد بحث می‌کند. او در قالب بررسی سبک زندگی یانی سیتی، افزون بر نحوه گذران اوقات فراغت، تفریحات و سلیقه‌های ورزشی به تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک در تحقیقات خود پرداخته است (Mckee, 1969: 275-6).

<sup>1</sup> David Cheney

<sup>2</sup> W. L. Warner



آنچه در اصطلاح مدرن گردشگری مذهبی خوانده می‌شود، در فرهنگ شیعیان تحت عنوان «زیارت» از آن یاد می‌شود. زیارت به مفهوم رایج آن از گذشته‌های دور در رابطه با سفر بیت‌الله حرام و عتبات عالیات در فرهنگ شیعیان وجود داشته و امروزه دامنه آن به شهرهای مقدس دیگر نیز کشیده شده است. زیارت با نگاه امروزی مقوله‌ای است که به راحتی می‌توان آن را در ذیل سیاحت دینی جای داد. چه آن که هرچند هدف اصلی زائران این اماکن توسل و عرض احترام به بارگاه ائمه معصومین و اولاد طاهرین ایشان است، اما باید پذیرفت که زیارت جنبه‌های سیاحتی و تفریحی نیز می‌تواند داشته باشد؛ خصوصاً اگر زائران از کشورهای دیگر و یا مناطق دوردست به مقصد یک شهر مذهبی سفر کنند. سیاحت دینی می‌تواند افراد را با تاریخ، فرهنگ و تمدن شهرهای مقدس آشنا کند و در کلیت خود تبدیل به فرهنگی شود که بخشی از سبک زندگی مردم را به خود اختصاص می‌دهد. امروزه سفر به مقصد شهرهای مذهبی در سبک زندگی متدینان جای پای محکمی دارد. این امر در رابطه با آستان مقدس شاهچراغ در شیراز اهمیت خود را پیدا کرده است.

آستان مقدس شاهچراغ در کنار دیگر جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی این شهر امروز اقبال میلیون‌ها گردشگر دینی را به سوی خود جلب نموده است. شواهد حاکی است که با توجه به توسعه امکانات حمل و نقل و تسهیلات بوجود آمده، آمار زائران این آستان به نحو چشم‌گیری در حال افزایش است. بنابراین می‌توان گفت که آستان مقدس شاهچراغ پس از آستان قدس رضوی و آستانه مقدسه فاطمه معصومه، به عنوان سومین قطب سیاحت دینی تاثیر بی‌بدیلی در جذب زائر و سیاح دینی را به خود اختصاص داده است. سهم ارزشمند این آستان در تعمیق و توسعه فرهنگ زیارت، نقش فراوانی در تکوین و گسترش سبک زندگی دینی دارد. در حالی که رونق صنعت توریسم بویژه تورهای خارج از کشور جذابیت‌های بسیاری برای علاقمندان جهانگردی ایجاد نموده است، اما این صنعت عاری از چالش‌ها و عوارض منفی نیست. این در حالی است که سیاحت به مقصد زیارت علاوه بر آن که از مخاطرات احتمالی مبرا است، علاوه بر به جای آوردن سنت زیارت، شرایط رضایت‌بخشی از سیر و سفر علمی، فرهنگی و تفریحی را برای زائران خلق می‌کند.

#### ۴-۲- آستان مقدس و تسهیل مناسک دینی

بدون تردید انجام مناسک دینی بخش مهمی از سبک زندگی دینی است. هر اندازه میزان تقید به انجام مناسک و مراسم دینی جدی‌تر و گسترده‌تر باشد، می‌توان گفت که سبک زندگی دینی‌تر خواهد بود. چه آن که در فرهنگ اسلامی مناسک دینی که عبادات در متن آن قرار می‌گیرد، جزء جدایی‌ناپذیر این فرهنگ محسوب می‌شود. البته انجام مناسک و مراسم دینی، همانند برگزاری نمازهای جماعت و جمعه، ادعیه و مناجات، عزاداری و مولودی را در هر زمان و مکانی می‌توان به جای آورد. اما واقعیت آن است که آستان‌های مقدس به عنوان مراکز کانونی نقش ممتازی در اجرای این امور دارند. در رابطه با آستان

مقدس شاه‌چراغ همین اندازه می‌توان گفت که برگزاری مستمر فرایض یومیه به جماعت در تمامی وقت‌های شرعی و با حضور خیل عظیم مجاوران و زائران معنای خاص خود را دارد که مهمترین آن تثبیت و ترویج فرهنگ نماز جماعت در سبک زندگی مردم خواهد بود. علاوه بر اقامه نماز، برگزاری مراسم مذهبی دیگر همانند ادعیه ماثوره و عزاداری در ایام موقوت، مراسم مولودی و... در این آستان مردم را به سمت و سوی سبک زندگی‌ای سوق می‌دهد که شعایر و نمادهای مذهبی جای پای محکمی در رفتارهای مذهبی آنان پیدا خواهد نمود.

آستان قدس شاه‌چراغ به مانند دیگر آستان‌های مقدس، به عنوان کانون ترویج و تعمیق مناسک دینی بویژه نماز به شمار می‌رود. اما نباید از نظر دور داشت که در فرهنگ مذهبی شیعیان اقامه عزا در سوگ معصومین<sup>(ع)</sup> نیز اکیدا توصیه شده است. فرهنگ عزاداری در جامعه شیعی به سرعت در حال گسترش و تحول است. اما نباید از یاد برد که آستان‌های مقدس و بارگاه‌های اولیاء الهی در شرایط کنونی به عنوان قطب‌های اقامه عزا عمل می‌کنند. چه جای تردید است که در ایام عزاداری ماه محرم هیچ نهاد دینی دیگری نمی‌تواند جای آستان قدس شاه‌چراغ را در این مورد بگیرد. شواهد نشان می‌دهد که از گذشته‌های دور این آستان بویژه در دهه نخست محرم به عنوان قبله آمال عزاداران حسینی عمل نموده و هیئت‌های مذهبی و عزادار بسیاری را از دوردست‌ها میزبانی نموده است. چه آن که «در عزاداری حسینی سبک عزاداری، نمادهای عزاداری و مکان عزاداری اهمیت بسیاری دارد. فضای عزاداری می‌تواند در انتقال پیام عزاداری بسیار موثر واقع شود. حتی تبلیغات عزاداری و بویژه کتیبه‌ها و شعارهایی که در ایام عزاداری معصومین<sup>(ع)</sup> بر در و دیوار اماکن مذهبی نقش می‌بندد، تاثیر بسیاری در ترویج و تعمیق فرهنگ عزاداری بر جای می‌گذارد» (زائری، ۱۳۹۳: ۱۵۸). تمامی این فاکتورها به روشنی در آستان مقدس احمدی و محمدی موجود است و این آستان توانسته است پا به پای توسعه شهر، در اقامه فرهنگ عزاداری بویژه در ایام محرم موثر عمل کند.

هرچند که سنت اقامه عزاداری در ایام ارتحال و شهادت معصومین<sup>(ع)</sup> در آستان شاه‌چراغ بسیار پررنگ بوده است، اما فروکاستن نقش این آستان در اقامه عزاداری کوتاه‌نگری است. چه آن که این آستان مقدس بویژه در سالیان اخیر در اعیاد مذهبی و ایام ولادت معصومین<sup>(ع)</sup> به عنوان کانون شور و شغف دینی عمل نموده است. کارنامه آستان در این ایام که با اقبال گسترده مردم از مراسم جشنی که به مناسبت اعیاد و مولودی‌ها برگزار می‌شود، نشان می‌دهد که آستان مقدس شاه‌چراغ صرفاً مکانی بر عزاداری و مرثیه‌سرایی نیست. این آستان به مانند دیگر آستان‌های مذهبی رسالت خود می‌داند که در چارچوب شرع برنامه‌های شاد و فرح‌بخش را بویژه متناسب با ذائقه نسل جوان اجرا نماید. اجرای چنین برنامه‌هایی آن هم در یک مکان مقدس می‌تواند زندگی متدینان را از روزمرگی و دم‌غیمتی نجات دهد و روح تازه‌ای در کالبد سبک زندگی خشک و کلیشه‌ای ایشان بدمد.

## ۵-۲- آستان مقدس و ترویج هنر دینی

در رابطه با سبک زندگی، زیبایی‌شناسی بحث مهمی است. اصولاً زیبایی‌ها شرایط خشن و خشک زندگی را تلطیف نموده و تا اندازه زیادی به آن معنا می‌دهد. برخی از محققان تجلیات زیبایی‌شناسی دینی را که عمدتاً در ذیل هنر دینی محقق می‌شود را در مجموعه سبک زندگی در ذیل عنوان «سلیقه» به بحث گذاشته‌اند. ایشان ارزش‌های زیباشناختی (سلیقه) که معادل آن در لاتین واژه «Taste» است را نوعی توانایی فردی برای فرق نهادن ظریف به خصوص در باب ارزش‌های زیباشناختی و هنر معنی کرده‌اند (Webster, Dic. 1973). در مورد تاریخچه این واژه در حوزه زیباشناختی نیز آمده است: «مفهوم سلیقه و طبع، به تبع به دو مفهوم خلاقیت و نبوغ مطرح گردیده که البته بیشتر به مخاطب و تماشاگر اثر هنری مربوط می‌شود» (مهروی کنی، ۱۳۸۷: ۹۶). تردیدی نیست که در قلب شهر شیراز بارگاه حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>، چون نگینی از زیبایی و جمال الهی می‌درخشد. شکل‌گیری این آستان محصول هنر دینی و سبک‌های زیبایی‌شناسی دینی است که در طول تاریخ این خطه پدید آمده است. سبک معماری حرم شاهچراغ و دیگر امامزادگان این آستان رد پای از هنر معماری اسلامی را به وضوح نشان می‌دهد. ضمن آن که در این معماری انواع و گونه‌های اصیل هنر اسلامی همانند کاشی‌کاری، خطاطی، تذهیب، نگارگری، خاتم‌کاری، منبت‌کاری و... به وفور دیده می‌شود. مجموعه این همه زیبایی و هنر نشان می‌دهد که هنر و زیبایی تجسمی در سبک زندگی مردم این سامان جای پای محکمی دارد. یکی از پژوهشگران تاریخ شاهچراغ<sup>(ع)</sup> در رابطه با هنرهای به کار رفته در مجموعه بارگاه حضرت می‌نویسد:

ساخت ضریح مطهر امامان و امامزادگان یکی از زیباترین گونه‌های هنر اسلامی در ادوار مختلف تاریخ شیعه به شمار می‌رود. هنر ضریح‌سازی، تلفیقی از نگارگری، خطاطی، قلم‌زنی، منبت‌کاری، طلاکاری و فلزکاری است که اوج زیبایی هنر اسلامی را در کنار معماری قدسی حرم‌های شریف به نمایش گذاشته است. ضریح مطهر حضرت شاهچراغ از نقره ساخته شده و قسمت فوقانی این ضریح با نقش اسماء متبرکه حضرت باری تعالی تزیین شده است. آیات مقدس قرآن و اسماء ائمه<sup>(ع)</sup> نیز زینت‌بخش قسمت‌های دیگر این ضریح متبرک است. سقف این ضریح، با خاتم و چوب به وسیله خاتم‌کاران شیرازی تزیین و آیاتی از سوره نور و سوره هل‌اتی به خط ثلث قرآنی، بر قسمت‌های ضریح منقش و قلم‌زنی گردیده است (عمرانی، ۱۳۹۳: ۲۸).

اگر به تاریخ بارگاه حضرت شاهچراغ مراجعه کنیم، روشن خواهد شد که این بارگاه پا به پای معماری اسلامی متحول شده است. هرچند که مرقد مطهر حضرت شاهچراغ قرن‌ها از نظرها پنهان بود، اما پس از کشف آن در ابتدا بارگاهی از گل و خشت خام بر آن ساخته شد و در گذر زمان مورد بازسازی و نوسازی قرار گرفت تا این که پس از چند بار تخریب به دلیل حوادث طبیعی، بارگاه مکرراً مورد تجدید بنا قرار گرفت. در تمامی این تحولات سبک معماری اسلامی برگرفته از مشاهد متبرکه معصومین<sup>(ع)</sup> در عراق و

خراسان رعایت و از تمامی فنون و آداب آن استفاده شده است. تا آنجا که در قرن‌های اخیر این سبک معماری در ساختن مساجد و مراقد امام‌زادگان جنوب ایران مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که هنرهای زیبا و معماری اسلامی جلوه غیرقابل توصیفی به بارگاه شاه‌چراغ بخشیده است. در توصیف ذوقی یکی از نویسندگان آمده است؛ «حرم شاه‌چراغ را با چهار شاه‌نشین طولانی چهار جانب آن، که در حقیقت می‌توان آن را طرح چلیپایی خواند، نمونه مشخصی از شیوه معماری زیارتگاهی چند و آثار اسلامی دیگر شیراز در قرون هشتم تا دوازدهم هجری به شمار می‌رود» (عرفان‌منش، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

## ۶-۲- آستان مقدس و تعمیق بینش دینی

سبک زندگی دینی بدون برخورداری از بینش و بصیرت دینی اصطلاحی نامفهوم است. سبک زندگی دینی می‌بایست تجلیات خود را به نوعی در زندگی روزمره نشان دهد. باید پذیرفت که این تجلیات بدون نهادهای دینی همانند مساجد و اماکن زیارتی امکان ظهور نخواهد یافت. برخورداری از معنویت دینی و انجام مناسک و مراسم دینی زمانی سبک زندگی دینی را خواهد ساخت که بر بنیاد بینش و بصیرت دینی استوار باشد؛ در غیر این صورت در حد سنت‌های رسوب‌شده تنزل خواهد یافت. به این منظور در دایره سبک زندگی اسلامی و شیعی شناخت اصولی همانند امامت و ولایت بسیار مهم است. امامت و ولایت اصل رکن مذهب تشیع است و در تمامی پیچ و خم‌های زندگی شیعیان حضور دارد. کما این که آگاهی از تاریخ اسلام و روندهایی که مکتب شیعه در مراحل تاریخی به خود دیده است نیز در فهم و درک بصیرت دینی نقش مهمی دارد. دانایی از تاریخ ائمه معصومین و زحماتی که ایشان و اهل‌بیت و ذریه‌شان برای حیات و تکامل این مکتب کشیده‌اند، جزیی از هویت مکتب شیعه است. چه آن که بدون دسترسی به چنین اطلاعاتی سبک زندگی دینی و شیعی بخش بزرگی از امکانات نرم‌افزاری خود را از دست خواهد داد. آدلر روان‌شناس شهیر اتریشی بر این باور بود که بدون مراجعه به گذشته نمی‌توان حال را شناخت. در نتیجه او در حوزه روان‌شناسی سبکی را بنا گذاشت که به «گذشته‌پژوهی» شهرت یافت. او معتقد بود که در زندگی روزمره بدون نگاه به گذشته نمی‌توان هیچ سبکی برای زندگی داشت. شعار معروف او «همیشه در خاطره طرحی برای زندگی وجود دارد»، چراغ راهنمای امروز محققان علوم اجتماعی در حوزه سبک‌های زندگی قرار دارد (رک: آدلر، ۱۳۶۱: ۹۰).

با توجه به توضیحات فوق در رابطه با نقش آستان مقدس احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در رابطه با معرفت اصولی همانند امامت و ترویج آگاهی از تاریخ تشیع باید گفت که وجود این آستان در طول چندین قرن سهم انکارناپذیری در بینش و بصیرت دینی مردم خطه فارس داشته است. چه آن که در این خطه پهناور مرقد مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان نمادی از حضور ولایت شناخته می‌شود. چه آن که تاریخ هجرت ایشان از مدینه به مقصد خراسان نشان می‌دهد که حضرت با انگیزه حمایت از امام رضا<sup>(ع)</sup> دست به قیام زد و پس از تحمل رنج‌های بسیار نهایتاً به شهادت رسید. لهذا می‌توان گفت که پس از شهادت ایشان، از قرن

سوم هجری بدین سو ایشان به عنوان نماینده اصل امامت و ولایت شناخته می‌شود. لہذا بارگاہ شریف احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و دیگر امامزادگان هم‌جوار، تاثیر مهمی در فهم و بینش مذهبی مردم سرزمین فارس برجای گذشته است. ضمن آن که نباید از نظر دورداشت که پس از آن که مرقد مطہر ایشان کشف گردید، مذهب تشیع در این سرزمین گسترش یافت و دیگر فرقه‌های اسلامی و ادیان غیراسلامی رفته رفته تضعیف گردیدند.

بنابراین گسترش مکتب تشیع در جنوب ایران تا اندازه بسیاری مرهون وجود بارگاہ شاهچراغ در فارس است. این موضوع موجب شده است که آگاهی و دانش تاریخی مردم این خطه نسبت به تاریخ تشیع و اہلیت<sup>(ع)</sup> افزایش پیدا کند. البتہ باید خاطر نشان نمود کہ تمامی این امور را باید در کنار دیگر اصول و مولفہ‌های سبک دینی مورد توجہ قرار داد. مجموعہ این مولفہ‌ها هنگامی کہ بر آستان مقدس احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> عرضه می‌شود، از نقش این آستان در تعمیق و توسعہ سبک زندگی دینی بویژہ در بلاد فارس بیشتر پردہ‌برداری می‌کند. زیرا تمامی نشانه‌ها حاکی از آن است کہ با توجہ بہ تاریخی بودن این سرزمین و وجود آثار باستانی فراوان در این خطہ، مردم این سرزمین بیش از دیگر عرصہ‌ها نسبت بہ گذشته دینی و تاریخ مکتب خود اظہار دلہستگی می‌کنند. این امر در بینش و منش مردم این سرزمین بہ وضوح نمایان است کہ البتہ ہمہ اینہا مرهون وجود آستان مقدس احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> است.

#### ۷-۲- آستان مقدس و تجلی آموزہ‌های دینی

در سبک زندگی دینی در کنار مناسک و بینش دینی، باور بہ برخی از آموزہ‌هایی کہ جزء اصول و فروع دین نیستند اما در مکتب تشیع منزلت بالایی دارند، بسی مهم است. اہمیت این آموزہ‌ها بعضا چنان جدی است کہ بی تفاوتی و یا انکار آن می‌تواند نہایتا بہ انکار یکی از اصول و یا فروع دین بینجامد. بدون تردید برخی از آموزہ‌ها بہ عنوان ہویت مکتبی تشیع چنان مورد اہتمام رہبران این مکتب قرار گرفته کہ عمل بر اساس آنہا تبدیل بہ نوعی فرہنگ و ہنجار غیرقابل تردید شدہ است. واقعیت آن است کہ باور بہ این آموزہ‌ها و رفتار بر حسب آنہا بہ صورت آگاہانہ و یا غیرآگاہانہ بخشی از سبک زندگی متدینان را ساختم است. شواہد حاکی از آن است کہ تبلور این آموزہ‌ها در شہرہای مذہبی رونق بہتری دارد. زیرا وجود مشاہد متبرکہ و آستان‌های مقدس در این شہرہا تاثیر بلندمدت خود را در طول قرن‌های متمادی گذاشته و بویژہ در بافت‌های قدیمی شہر بر سبک زندگی مردم تاثیر گذاشته است.

پیش از این گذشت کہ فرہنگ زیارت را می‌توان با مقولہ سیاحت دینی مورد مطالعہ قرار داد. اما در اینجا باید بہ این نکتہ نیز اشارہ نمود کہ آموزہ زیارت در فرہنگ تشیع جای پای محکمی پیدا نمودہ است. در این مکتب بزرگان دین زیارت قبور و مشاہد معصومین<sup>(ع)</sup> و ذریہ طاہرینشان را در حقیقت ادامہ باور بہ اصول امامت و ولایت دانستہ‌اند. در این رابطہ روایات صحیح‌السند بسیاری وجود دارد. در حدیثی پیامبر

اسلام<sup>(ص)</sup> در رابطه با ارزش زیارت مراقد مطهر خود، اهل بیت و ذریه‌شان می‌فرماید: «من زارنی بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی و من زار فاطمه، فکانما زارنی و من زار علی بن ابی‌طالب فکانما زار فاطمه و من زار الحسن و الحسین فکانما زار علیا و من زار ذریتهما فکانما زارهما؛ هر کس مرا پس از وفاتم زیارت کند مثل آن است که مرا در دوره حیاتم زیارت کرده باشد و کسی که حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> را زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده است و کسی که علی<sup>(ع)</sup> را زیارت کند، گویا حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> را زیارت کرده است و کسی که حسن و حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کند مثل آن است که علی<sup>(ع)</sup> را زیارت کرده است و کسی که ذریه ایشان را زیارت کند، گویا که حسن و حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کرده است» (طبری، ۱۳۸۳ق: ۱۳۹).

تردیدی نیست که آستان و بارگاه احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان ملجا و پناه مردم خطه فارس سهم بسزایی در تعمیق فرهنگ زیارت دارد. روزانه هزاران نفر از راه‌های دور و نزدیک به زیارت مرقد شریف ایشان و دیگر امام‌زادگان آستان مقدس می‌شتابند و بدین نمط یکی از آموزه‌های مکتب تشیع را در سبک زندگی خود نهادینه می‌کنند. علاوه بر آموزه زیارت، آستان مقدس شاه‌چراغ در تعمیق دیگر آموزه‌های مکتب تشیع نیز سهم جدی دارد. آموزه «شهادت» در این مکتب عنصر حیات‌بخشی است که به عنوان نماد ایثار مذهبی به شمار می‌رود. در این راستا نحوه شهادت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> پس از قیام خونینی که در حمایت از برادر بزرگوارشان امام رضا<sup>(ص)</sup> صورت گرفت، فرهنگ شهادت را در بلاد فارس نهادینه نموده است. اهالی فارس به شخصیت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان شهید راه حقیقت می‌نگرند. کما این که این فرهنگ خود را در چهره شهادت بزرگانی مانند آیت‌الله دستغیب و شهدای هشت سال دفاع مقدس در شهر شیراز به خوبی نمایانده است.

در فرهنگ مکتب تشیع و سبک زندگی پیراوان این مکتب، «حجاب» نیز رکن رکینی است. «پوشش در سبک زندگی اهمیت بسیاری دارد. پوشش و حجاب علاوه بر این که مسلمانان را در امنیت اجتماعی قرار می‌دهد، نوعی نماد اسلامی نیز هست که مشخص‌کننده مفاهیم و ارزش‌های خاصی است. اگر نمادی تاییدکننده جبهه باطل باشد، حرمت شرعی پیدا می‌کند؛ چون با این پوشش آن جبهه را تقویت کرده‌ایم. احکامی مثل حرمت تشبه مرد به زن یا احکام حرمت تشبه به کفار دقیقا اینجا مطرح می‌شود» (زائری، ۱۳۹۳: ۱۷۰). کاملا مشهود است که اصل حجاب در شهرهای مذهبی بیش از دیگر شهرها مورد اهتمام بانوان قرار دارد. بدون تردید وجود بارگاه‌ها و آستان‌های مقدس در قرون گذشته، حجاب را تبدیل به نوعی سبک پوشش نموده است. به عنوان نمونه در شهر شیراز این امر بیش از آن که مرهون سیاست‌های اجباری حکومت باشد، محصول حرمتی است که بانوان نسبت به مقام و منزلت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و دیگر امام‌زادگان واجب‌التعظیم قایلند. این منش در حقیقت مطابق با قرآن مجید است که فرموده است: «و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عنده ربه؛ هر کس محترم‌های خداوند را بزرگ بدارد، این کار برای او نزد پروردگار بهتر است» ﴿حج/۲۹﴾

واقعیت آن است که در فرهنگ تشیع آموزه «وقف» جایگاه بلندی در شکل‌بندی نظم اجتماعی و ساختارهای اقتصادی، آموزشی و فرهنگی دارد. با این وجود این آموزه در فرازهای مهمی از تاریخ به عنوان سنت فراموش شده شناخته می‌شود. واقعیت آن است که علی‌رغم بی‌توجهی‌های بسیاری که نسبت به وقف صورت گرفته است، به برکت وجود بارگاه‌ها و مشاهد اولیاء الهی و بویژه شکل‌گیری آستان‌های مقدس در شهرهای بزرگ و کوچک، در حال حاضر آموزه وقف رفته رفته جای شایسته خود را در سبک زندگی مردم پیدا می‌کند. در این میان در جنوب ایران نمی‌توان از نقش آستان مقدس احمدی و محمدی به سادگی گذشت. به روایت تاریخ سابقه تکوین آموزه وقف به زمان ساخت نخستین بقعه بر مرقد امام‌زادگان این آستان باز می‌گردد. آن گونه که فرصت الدوله شیرازی نقل می‌کند سنت وقف در آستان مقدس شاهچراغ در گذشته‌های دور با وقف بعضی از دکاکین، کاروانسراها، و حمام‌ها رونق داشت» (به نقل از: رستگار، ۱۳۹۲: ۳۶). تا این که در دوره معاصر به تدریج، ملک‌ها، مزرعه‌ها، باغ‌ها، دکان‌ها و برخی اشیای نفیس توسط افراد خیر وقف این آستان گردید (کلاتری، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در حال حاضر از برکات نهادینه شدن سنت وقف، زائران و مجاوران این آستان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی مستفید می‌شوند و می‌توان گفت مردم به ارزش و اهمیت این آموزه در سبک زندگی اجتماعی خود پی برده‌اند.

### ۳- نتیجه‌گیری

این نوشتار به دنبال آن بود تا جنبه‌های جدید و مغفولی از ظرفیت‌های آستان مقدس شاهچراغ را در رابطه با یکی از مهمترین امور اجتماعی به بحث بگذارد. در نتیجه از مجموع آن چه گذشت می‌توان گفت؛ در چارچوب سبک زندگی دینی، آستان مقدس احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و دیگر امام‌زادگان موجود در ترسیم و تعمیق سبک زندگی دینی تاثیر غیرقابل تردیدی دارند. سبک زندگی دینی، تعریف و مولفه‌های خاص خود را دارد و در این نوشتار در ارتباط با آستان مقدس شاهچراغ تنها بر گوشه‌ها و ابعادی از آن انگشت گذاشته شد. به تفصیل گذشت که آستان قدس با تاثیری که در ترویج معنویت دینی، تجلی زیباشناسی دینی، تعمیق ساختار اجتماعی دینی، تسهیل مناسک دینی، تعمیق بینش دینی و انعکاس آموزه‌های دینی برجای می‌گذارد، ارتباط وثیقی با سبک زندگی دینی پیدا می‌کند. مطابق تحلیل‌هایی که گذشت، تمامی امور یاد شده به یمن وجود آستان قدس شاهچراغ در سبک زندگی مردم خطه فارس و حتی جنوب ایران به وضوح قابل مشاهده است.

نباید از نظر دور داشت که آستان مقدس شاهچراغ به مانند دیگر آستان‌های مقدس از ظرفیت‌های پایان‌ناپذیری در دیگر حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی برخوردارند که البته نیازمند تحقیقات علمی روشمند است. سهمی که این آستان در رابطه با کنترل مفساد اجتماعی و عمومی ایفا می‌کند، ظرفیت‌هایی که

این آستان در رونق اقتصادی فارس بر عهده دارد، نقشی که آستان در فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی اسلامی ایفا می‌نماید و ده‌ها موضوع فرهنگی و اجتماعی دیگر برای پژوهش بسی مهم هستند، هرچند که ارتباط وثیقی با سبک زندگی دینی نداشته باشند. واقعیت آن است که هر آنچه در رابطه با نقش آستان مقدس شاه‌چراغ در ترسیم و تکوین سبک زندگی دینی گفته شد، در نگاهی کلان در رابطه با دیگر آستان‌های مقدس بویژه آستان‌های موجود در عتبات عالیات، آستان قدس رضوی در مشهد، آستانه مقدسه فاطمه معصومه در قم، آستان مقدس عبدالعظیم حسنی در ری و ده‌ها آستان دیگر صادق است. الا این که قرار گرفتن آستان شاه‌چراغ در سرزمین پهناور فارس و جنوب ایران، این آستان را از جهات متعددی از دیگر آستان‌های مقدس ممتاز و متمایز نموده است.

این که آستان مقدس احمدی و محمدی مهمترین آستان موجود در نیمه جنوبی ایران است؛ این که این آستان بر محور برادر و نماینده امام رضا<sup>(ع)</sup> شکل گرفته که در مسیر حمایت از ولایت به شهادت رسید؛ این که این آستان در متن منطقه‌ای قرار گرفته که در آن آثار باستانی مهمی همانند تخت‌جمشید و پاسارگاد و آرام‌گاه‌های شاعران بزرگی همانند حافظ شیرازی و سعدی شیرازی قرار دارد، مثال‌هایی در رابطه با اهمیت این آستان است. نکته پایانی این که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آستان شاه‌چراغ در سایه آثار باستانی و آرام‌گاه‌های شاعران قرار داشت. تا این که اینک به برکت تاسیس نظام جمهوری اسلامی، این آستان مقدس که در گذشته مورد بی‌مهری رژیم گذشته قرار می‌گرفت، جایگاه شایسته خود را در فرهنگ دینی مردم این منطقه پیدا نموده است. به نحوی که می‌توان از نقش آن در رابطه با ترویج و تعمیق سبک زندگی دینی سخن گفت.

## منابع

۱. صدوق، ابی جعفر محمدبن علی بن حسین قمی، عیون اخبارالرضا، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش.
۲. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق، ۱۳۹۲ ش.
۳. ولی‌زاده، جواد، «ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی - ایرانی) از سبک زندگی»، فصلنامه علمی - تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، س ۸، ش ۷۵، ۱۳۹۲ ش.
۴. محجوب، محمدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران، دانشسرای عالی، ۱۳۴۵ ش.
۵. فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲ ش.
۶. عرب، ماکس، «دین، قدرت، جامعه»، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس، ۱۳۸۲ ش.
۷. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۸. زیمبل، گئورگ، تضاد فرهنگ مدرن، ترجمه‌هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۰ ش.



۹. زائری، محمدرضا، نگاهی به سبک زندگی دینی مسلمانان ایرانی (سبک زندگی)، اصفهان، آرما، ۱۳۹۳ش.
۱۰. تامپسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۸۲ش.
۱۱. برگر، پیتر، ذهن بی‌خانمان-نوسازی و آگاهی، مترجم. محمد ساوجی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ش.
۱۲. توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل، «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان امیر کبیر»، نامه جامعه شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۵ش.
۱۳. عمرانی، ابوالحسن، در بارگاه آفتاب؛ معرفی اجمالی حضرت شاه چراغ، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۹۳ش.
۱۴. عرفان منش، جلیل، چلچراغ شیراز، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۵. آدلر، آلفرد، روان‌شناسی فردی، ترجمه حسن زمانی و مهین بهرامی، تهران، پیشگام، ۱۳۶۱ش.
۱۶. طبری، عمادالدین، بشارة المصطفی، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق.
۱۷. رستگار، محمدحسین، وقف میراث جاودان؛ شرح موقوفات آستان مبارک احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و...، شیراز، آثار ماندگار، ۱۳۹۲ش.
۱۸. کلانتری، علی‌اکبر، آفتاب شیراز؛ پژوهشی نو پیرامون شخصیت، مدفن و... احمدبن موسی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰ش.

19. The Random. House Dic. Of The English Language, 1987

20. Giddens, A, In Defence of Sociolgy, Combridge, polity Press, 1996.

21. Cheney, David, Lifestyles. London: Routledge, 1996.

22. Mckee, James. B, Introduction ti Sociology, Hilt Rinehart & Winston Inc, 1969.

23. Webster, Dic. 1973.

24. Webster Online Dic. 2004.